



چرا دختران زندگی مجردی را دوست دارند؟

یکی از معضلاتی که امروزه بسیاری از مسئولان و دولتمردان را به فکر انداخته و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان هم در زمینه حرفه‌ای خود آن را بررسی و پژوهش می‌کند، افزایش میانگین سن ازدواج و بی‌رغبتی جوانان ایرانی برای تشکیل خانواده است. چرا دختران زندگی مجردی را دوست دارند؟

یکی از معضلاتی که امروزه بسیاری از مسئولان و دولتمردان را به فکر انداخته و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان هم در زمینه حرفه‌ای خود آن را بررسی و پژوهش می‌کند، افزایش میانگین سن ازدواج و بی‌رغبتی جوانان ایرانی برای تشکیل خانواده است. چرا دختران زندگی مجردی را دوست دارند؟

عده‌ای نوک شمشیر این معضل را به سمت دختران ایرانی نشانه می‌روند و معتقدند افزایش سطح توقعات، افزایش استقلال اجتماعی و تمکن مالی باعث این شده است که دختران ایرانی به ازدواج بی‌تفاوت شده و دیگر انگیزه‌ای برای تشکیل دادن خانواده نداشته باشند.

در ایران به ویژه شهرهای بزرگ و صنعتی آنکه افزایش آگاهی روند سریع تری را نسبت به سایر شهرها پیش رو دارد عوامل متعددی می‌تواند در بالا رفتن میانگین سن ازدواج و کاهش آمار آن موثر باشد همانند: افزایش آمار طلاق به ویژه طلاق‌هایی که در مدت زمان کوتاهی بعد از ازدواج ثبت شده‌اند، افزایش خیانت و بی‌تعهدی در میان زوج‌ها، عوامل اقتصادی، تغییر فرهنگ و دگرگونی نظام ارزش فردی و گروهی، افزایش بیکاری و عدم وجود امنیت شغلی برای جوانان و آقایان که امکان ازدواج را از جوانان سلب کرده است.

مصطفی ازکیا، جامعه‌شناس و محقق در زمینه مطالعات زنان تصریح کرد: عوامل و علل متعددی برای به تاخیر افتادن ازدواج در میان جوانان ما وجود دارد. در این مورد باید دیدگاه خود را توسعه دهیم و ابعاد دیگری را هم مورد بررسی قرار دهیم؛ استقلال و تمکن مالی دختران خانوم‌ها یکی از این ابعاد است اما افزایش میانگین سن ازدواج ابعاد دیگری هم دارد.

او گفت: بالا رفتن سطح تحصیلات هم برای دخترها و هم پسرها، افزایش توقعات برای طرفین، عدم توانایی در برآورده کردن این توقعات توسط آقایان برای همسران آینده خود همه از عواملی است که نه تنها در شهرهای بزرگ و صنعتی ازدواج را به تاخیر محکوم کرده است بلکه تاثیر خود را در شهرهای کوچک و روستاها هم گذاشته است.

ازکیا افزود: متوسط سن ازدواج برای دخترها 15 سال و برای پسرها 20 سال بوده است این آمار امروزه برای مردها به بیست و سه و نیم تا بیست و چهار و برای زنان به بیست و سه سال رسیده است که این افزایش را ما می‌توانیم ناشی از تحولات فرهنگی و تغییر در نظام ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی بدانیم که آن هم به دو جنس دختر و پسر مربوط می‌شود و فقط مختص جنس خاصی نیست. تمام افراد را در جامعه در بر می‌گیرد.

این جامعه‌شناس گفت: اما من مهم‌ترین عامل تاخیر در ازدواج را عامل اقتصادی می‌دانم زیرا شرایط امروز ما به جایی رسیده که خانواده‌هایی که تمکن مالی هم داشته باشند به سختی می‌توانند در فرایند ازدواج به فرزندان خود کمک کنند چه برسد به خانواده‌هایی که از قشر متوسط و کم درآمد جامعه هستند. جوانان شغل مناسب با درآمدی که بتوانند به آن اتکا کنند و تشکیل خانواده بدهند و در روند آن نیازهای همسر و فرزند خود را برآورده کنند ندارند.

ازکیا معتقد است که گناه تاخیر در ازدواج را نباید به گردن دختران بیاندازیم و آن‌ها مسبب این ماجرا بدانیم و در ادامه گفت: یک سلسله اتفاقات و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی است که میوه ناسالمی را به بار آورده و آن تاخیر در ازدواج جوانان است. دختر هم می‌خواهد زمانی که ازدواج می‌کند حداقل زندگی مشترک آن هم سطح خانواده پدری خود و زندگی مجردی‌اش باشد حالا اگر یک پله هم بالاتر نبود دیگر پایین‌تر نباشد و این توقع بی‌جایی نیست.

او تاکید کرد: افزایش ابزار ارتباطات جمعی و نفوذ فرهنگ مغرب زمین هم در این میان نقش مهمی دارد زیرا جوانان ما را به سمتی سوق دادند که خارج از فرهنگ و عرف خودمان با هم زندگی کنند اما بدون گرفتن مراسم و رسومی که ما به آن‌ها معتقد هستیم. مطالعات پراکنده‌ای انجام شده خوشبختانه این میزان به حدی نرسیده‌اند که به یک مسئله و معضل اجتماعی برسند اما در حال رشد هستند و ما باید به فکر پیشگیری باشیم.

ازکیا گفت: حرکت امروز جامعه ما متأسفانه به سمتی است که فقط گروهی از افراد و قشر خاصی از مردم به رفاهیات و امکانات نیاز دارند و گروه‌های درآمدی متوسط و رو به پایین جامعه نمی‌توانند از همه امکانات برخوردار باشند و به راحتی زندگی کنند. این‌ها مجموعه عواملی است که شرایط فرهنگی و اجتماعی را هم تحت سیطره خود متحول می‌کند ازدواج و تشکیل خانواده

کاهش می‌یابد و به دنباله آن فرزند آوری کم‌رنگ می‌شود و در نتیجه کشور با افزایش افراد مسن و سالخورده مواجه می‌شود یا
بعبارتی جامعه پیر می‌شود.

منبع: جام جم آنلاین